



مقدمه حقوق



شاپا جایی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۶ - شماره ۱۷ - زمستان ۱۴۰۲

بررسی ضرورت افشاء وجود قرارداد تأمین مالی داوری بین‌المللی توسط شخص ثالث و لزوم صیانت از افشاء سایر اطلاعات
محمد مهدی اسدی

کیفیات مشدده جرم در حقوق کیفری ایران
محمد کمالی، محمد باقر بصیر

مبانی حقوق طبیعی جان لاک و تاثیر آن در کنوانسیون حقوق کودک
محمد مهدی داور، سعیده تسلیمی

قضازدایی؛ نگرشی برای پیشگیری از پایداری بزهکاری نوجوانان
محمد جوان‌بخت، پریسا کریمی، محدثه صادقیان لمراسکی
بررسی مفهوم دارنده سند تجارتي

سارا فرزادی مهر، شاپور محمد حسینی، محمدرضا حقیقی
تاثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرایم یقه سفیدها: بررسی فقهی و حقوقی

مریم کمائی، زهرا انصاری فر، پیتر گاتسچالک
روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای فیدیک
آرمان یعقوبی مقدم، محمد غلام پور ویشکائی، محمد یار ارشدی
واکاوی سیر تکوینی پدیده مجرمانه نسل‌کشی در بستر تاریخی

محمد جوان‌بخت، مینو محمدی، کیومرث کلاتتری درونکلا
نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات
زهرا نظری

نقد و ارزیابی مسئولیت مدیران در قبال بدهی‌های مالیاتی شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و قانون مالیات‌های مستقیم
نیما رضائی، محمد شجاعی فر، امیرحسین ابوالحسنی

جرائم مالیاتی با دیدگاه کیفر شناختی در حقوق ایران
سیده فائزه فاطمی

مرجع صالح و عنوان خواسته در دعاوی ملی شدن اراضی
مسلم اله یاری

چالش‌های اجرایی دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با محوریت نقش دادیار
سید مهدی احمدی، نسترن ارزانیان

تأثیر عدالت ترمیمی و سیاست جنایی بر بزه‌دیدگی جنسی اطفال (از حمایت تا بازپروری)
سید حسین دهقان نیری، مریم مسافری

حق تعیین سرنوشت به مثابه یکی از حقوق بنیادین بشر در خصوص اشخاص ترانجسیتی (با تأکید بر دادنامه صادره از شعبه
سیزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)

محمد سعید حسینی، حشمت رستمی درونکلا، محمد مهدی ساکی، فاطمه دهقان، عباس رضایی گیلانی
حمایت از حقوق فرهنگی زندانیان در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و نظام حقوقی ایران

مرجان نگهی مخلص آبادی
تحلیل نظام حقوق مالیاتی حاکم بر شرکتهای تجاری

پریسا رضوان، علی زارع
کرامت انسانی در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی

محمد امین ابراهیمی
نقش اموال تملیکی دولت در پیشبرد اهداف اقتصادی: تحلیل قوانین و بررسی موانع و راهکارها

الهام درکی، آپدا مخترع، بهنام رستگاری
موضوعیت و ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

صادق بنی طرفیان حویزای
سیاست کیفری افتراقی قانون نیروهای مسلح در قبال فروش اموال و اشیای نظامی

یاسر شاکری



The Role of the Judge in the Execution of Criminal Sentences in Deterrence and Individualization of Punishment

نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات

Zahra Nazari

Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Bandar Abbas, Iran

زهرا نظری

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران

Zah.naz64@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0005-0637-1528>

Abstract

Execution of judgments is the most dangerous stage of the judicial process, which can guarantee individual and public rights. In this regard, the judge of the execution of criminal sentences entered Iran's criminal law with the aim of individualizing and deterring punishments, and, in order to implement this goal at the stage of sentence execution, along with social workers and other institutions related to the pathology and clinical examination of the convict, a definitive punishment is in force. According to his/her current character and during the time period of execution of the sentence, he/she adjusts and implements it, so that after issuing the sentence and during the appeal process, the convicted person is placed in the hands of the judge who executes the criminal sentences, and this judicial authority can in order to realize and guarantee the principle of individualization of punishments, personalization of punishments, the principle of equality of arms, the principle of the legality of crime and punishment, and the correct supervision of the execution of criminal sentences, it should play an effective role, and by having a modifiable approach, in addition to creating reconciliation at the community level, provides a suitable space for the implementation of justice and makes all people partners in the implementation of this justice. Of course, the powers of the execution authority are supervisory and executive powers, and they do not have the right to adjust and modify the punishment.

Therefore, individualizing punishments can play an important role in preventing criminals from returning to crime. The legislator should also expand the authority of the judge to execute the criminal sentences and try to solve the existing legal challenges.

Keywords: Judge Execution of Sentences, Deterrence of Punishment, Individualization of Punishment, Prison.

چکیده

اجرای احکام خطرناک‌ترین مراحل فرایند دادرسی است که می‌تواند تضمین‌کننده حقوق فردی و عمومی باشد. در این راستا قاضی اجرای احکام کیفری با هدف فردی کردن و بازدارندگی مجازات‌ها وارد حقوق کیفری ایران شده و برای اعمال این هدف در مرحله اجرای حکم و در کنار مددکاران اجتماعی و سایر نهادهای ذی‌ربط با آسیب‌شناسی و معاینه بالینی محکوم، مجازات قطعی لازم الاجرا را متناسب با شخصیت فعلی وی و در طول بازه زمانی اجرای مجازات، تعدیل و اجرا می‌نماید، به طوری که پس از صدور حکم و طی فرایند تجدیدنظرخواهی و فرجام خواهی، محکوم علیه در اختیار قاضی اجرای احکام کیفری قرار می‌گیرد و این مقام قضایی می‌تواند در راستای تحقق و تضمین اصل فردی کردن مجازات‌ها، شخصی کردن مجازات‌ها، اصل تساوی سلاح، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نظارت صحیح بر نحوه اجرای احکام کیفری نقش مؤثری را ایفاء نماید و با داشتن رویکردی اصلاح‌پذیری، علاوه بر ایجاد مصالحه در سطح جامعه، فضای مناسبی را برای برقراری عدالت فراهم کرده و همه افراد را در اجرای این عدالت شریک می‌نماید. البته اختیارات مقام اجرای حکم، اختیاراتی نظارتی و اجرایی بوده و ایشان حق تعدیل و اصلاح مجازات را ندارد. بنابراین فردی کردن مجازات‌ها می‌تواند سهم مهمی را در جلوگیری از بازگشت مجرم به جرم در برداشته باشد. مفتن نیز باید اختیارات قاضی اجرای احکام کیفری را در اجرای حکم گسترش داده و در رفع چالش‌های موجود قانونی تلاش نماید.

واژگان کلیدی: قاضی اجرای احکام، بازدارندگی مجازات، فردی کردن مجازات، زندان.

Received: 2023/09/30 - Review: 2024/01/13 - Accepted: 2024/02/04

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴

ارجاع:

نظری، زهرا؛ (۱۴۰۲)، نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات، تمدن حقوقی، شماره ۱۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

شاید بتوان تاریخ پیدایش نهاد قاضی اجرای احکام را در بخش نظارت بر امور زندان‌ها جست و جو کرد، که البته وظایف آن نهاد چندان ارتباطی با نهاد قاضی اجرا ندارد و می‌توان به جرأت گفت که ورود این نهاد مدرن و پیدایش آن در سیستم قضایی کشور با تدوین لایحه تأسیس سازمان اجرای احکام کیفری را باید یکی دانست.

در حقوق کیفری ایران قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نهادی به نام قاضی اجرای احکام وجود نداشت و اجرای احکام وظیفه دادرسی بود و این وظیفه توسط دادستان به دادیار اجرای حکم داده می‌شد و یا توسط سازمان زندان‌ها اجرا می‌گردید و قبلاً لایحه‌ای مبنی بر تغییر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان اجرای احکام کیفری از سوی قوه قضائیه تقدیم دولت و مجلس گردید و این لایحه پس از تأیید دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گشته و در کمیسیون‌های مختلف مجلس شورای اسلامی در حال بررسی بود که با تصویب سازمان اجرای احکام کیفری کلیه احکام پس از قطعیت جهت اجرا به این سازمان ارسال خواهد شد. تصویب و اجرای این لایحه موجب گردید که یک قاضی مستقل در سازمان اجرای احکام کیفری مستقر شده و به محض این که دادگاه رأی قطعی خود را علیه متهمی صادر نمود اجرای آن با این مقام اجرایی می‌باشد و مخصوصاً در مورد مجازات حبس همین که زندانی وارد زندان شود، قاضی اجرای احکام کیفری وظیفه‌اش ایجاد رابطه تنگاتنگی با زندانی و خانواده اوست. این قاضی نحوه اصلاح و تربیت زندانی را زیر نظر می‌گیرد تا

اثر مجازات را در فرد زندانی بررسی کند تا نسبت به ارائه پیشنهاد عفو و آزادی مشروط زندانی اقدام مقتضی صورت گیرد. در حال حاضر در نظام کیفری ایران به تبعیت از قانون کیفری فرانسه مقامی تحت عنوان قاضی اجرای احکام پیش‌بینی شده که زیر نظر دادستان وظیفه اجرای حکم را بر عهده دارد و وظایف و اختیاراتی به خصوص در زمینه اعمال مجازات حبس بر عهده دارد (مدنی کرمانی، ۱۳۹۰، ۶۵). از نظر قضایی نیز مرحله اجرای احکام کیفری به عنوان منزلگاه پایانی فرایند دادرسی کیفری، باید نقطه بهره‌برداری و به ثمرنشینی هزینه‌هایی باشد که برای تقنین و ایجاد تشکیلات قضایی اعتبار شده است. اهداف مجازات‌ها در صورتی قابل تحقق است که آراء دادگاه‌ها به نحو صحیح اجرا شود، در غیر این صورت نه تنها نظام قضایی بلکه نظام تقنین و به تبع آن هدف اصلی نظام کیفری یعنی اجرای عدالت و ایجاد نظم و امنیت در جامعه به عنوان مهم‌ترین جلوه حاکمیت یک کشور، مخدوش معرفی می‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۸، ج ۴، ۳۳۶).

بر این اساس، پیش‌بینی نهادی به نام قاضی اجرای احکام در حقوق کیفری بیانگر این است که دخالت و حضور دستگاه قضایی پس از صدور حکم محکومیت لازم و ضروری بوده و قاضی اجرای احکام فقط اجراکننده مجازات نمی‌باشد و وظیفه او به اجرای مجازات محدود نمی‌شود، بلکه به همراه مددکاران اجتماعی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسان دستگاه قضایی (سازمان امور زندان‌ها) که تحت نظر او به انجام وظیفه مشغول می‌باشند؛ مجازات را اعمال می‌کند و یا به تعبیر دیگر سعی در انطباق احکام با روحيات و شخصیت مجرمین و محکومین می‌نماید. مقام اجرای احکام باید در کمال بی‌طرفی و در نظر گرفتن روشی برای اتصال به هدف نهایی که همانا برقرار کردن عدل و قسط است حرکت کند. در نظام کیفری ایران، قاضی اجرا بیشتر جنبه اجرایی و نظارتی دارد و قضات دادسرا دارای شأن اداری هستند. با وجود این به نظر می‌رسد که قضایی‌تر شدن نهاد اجرای احکام، بومی‌سازی و نیز متناسب ساختن آن با حجم پرونده‌ها می‌تواند به تضمین هر چه بیشتر اجرای احکام متناسب با شخصیت محکوم بینجامد (امیری و همکاران، ۱۳۹۷، ۴۹۳). بنابراین در این پژوهش، نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات را مورد بررسی قرار می‌دهیم. با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ روش تحقیق، به صورت نظری می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و روش تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی به صورت توصیفی خواهد بود.

۱- مفهوم‌شناسی نهاد اجراکننده احکام کیفری

قاضی اجرای احکام کیفری مقامی است که زیر نظر دادسرا و شخص دادستان در سازمان زندان‌ها مستقر و مشغول به کار بوده و عمده وظایفش نظارت بر اجرای صحیح مجازات‌ها است. تنوع در ضمانت اجرای کیفری، پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین حبس و همچنین تأسیسات حقوقی در امور کیفری موجب گردید که قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها با توجه به اختیاراتی که در قانون پیش‌بینی شده است، بتواند در اصلاح و درمان محکومین به عنوان یکی از بهترین اهداف مجازات‌ها نقش مهمی را ایفا نماید^۱ (امیری و همکاران، ۱۳۹۷، ۵۰۰). قاضی اجرای احکام کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همان دادیار اجرای حکم در قوانین قبلی است با این تفاوت که قاضی اجرای احکام کیفری باید حداقل سه سال سابقه قضائی داشته باشد. با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قاضی اجرای حکم دارای اختیاراتی می‌باشد به این صورت که در مواردی که حکم قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد، دستور اجرای حکم با قاضی اجرای حکم است و رفع ابهام و اجمال از دستور اجرای حکم نیز با این مقام است. در حالی که در قانون سابق دستور اجرا با قاضی صادرکننده حکم بود. اختیار دیگر قاضی اجرای حکم نظارت بر شیوه اجرای حکم توسط مأمور اجرا است. بیشتر وظایف و اختیارات قاضی اجرای حکم در زمینه اعمال مجازات حبس می‌باشد.

۲- ماهیت تصمیم‌های قاضی اجرای احکام کیفری

در رابطه با ماهیت تصمیم‌های قاضی اجرای احکام کیفری، دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول این که اختیارات قاضی در حین رسیدگی با اختیارات قاضی اجرای احکام برابری می‌کند، فلذا تصمیماتش ماهیت قضایی دارد و تمامی تصمیمات وی می‌تواند مورد اعتراض و تجدیدنظرخواهی قرار بگیرد. دیدگاه دوم این که، تصمیماتی که این مقام قضایی می‌گیرد ماهیت اداری داشته و نقش ایشان در اجرای احکام کیفری صرفاً

۱- ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می‌دهد و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌کند. همچنین بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند.

جهت اطمینان سازمان زندان‌ها بوده و دخالت مستقیمی در اجرای مجازات نخواهد داشت. باید گفت در حقوق کیفری ایران تصمیمات قاضی اجرای احکام، بیشتر جنبه شکلی و اداری داشته و در این مرحله می‌بایست تصمیمات را تفکیک نمود: بعضی از تصمیمات جنبه قضایی دارد و قضات اجرای احکام دارای اختیارات مشابه دادرس رسیدگی کننده می‌باشند، در نتیجه تصمیماتش ماهیت قضایی خواهد داشت فلذا تمامی آن‌ها لازم الاجرا خواهند بود. هر چند قضات اجرای احکام کیفری دارای استقلال می‌باشند، که این ضروری است تصمیمات آن‌ها مورد تأیید دادستان قرار بگیرد. همچنین بعضی از این تصمیم‌ها صرفاً اداری بوده و نیازی به تأیید دادستان نخواهد داشت و طبیعتاً قابل تجدیدنظر نیز نخواهد بود. در خصوص تصمیمات قضایی ماده‌های ۵۰۱، ۵۰۲ و ۵۰۳ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به تشریح موضوع پرداخته‌اند.

از موارد دیگری که تصمیمات قاضی اجرا در زمره تصمیماتی که ماهیت قضایی دارند، قرار می‌گیرد در خصوص مواردی است که مطابق ماده ۵۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نسبت به

۲- ماده ۵۰۱: اجرای مجازات در موارد زیر به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد: الف- دوران بارداری. ب- پس از زایمان حداکثر تا شش ماه. پ- دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی. ت- اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه.

۳- ماده ۵۰۲ هرگاه محکوم‌علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم‌علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند.

۴- ماده ۵۰۳: هرگاه محکوم‌علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه اجرای حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مورد مجازات‌های مالی که از اموال محکوم‌علیه وصول می‌شود.

۵- ماده ۵۲۴: در صورت ارتکاب تخلف انضباطی توسط زندانی، یکی از تنبیهات زیر با رعایت تناسب از سوی شورای انضباطی تعیین و پس از تأیید قاضی اجرای احکام اجراء می‌شود: الف- انتقال از مراکز حرفه آموزی و اشتغال به زندان بسته یا نیمه‌باز. ب- محرومیت از ملاقات حداکثر تا سه نوبت. پ- محرومیت از مرخصی حداکثر تا سه ماه. ت- محرومیت از پیشنهاد عفو و آزادی مشروط حداکثر تا شش ماه.

زندانیان متخلف گرفته می‌شود. همچنین تصمیمات مقام اجرا درخصوص ماده‌های ۵۳۵^۶ و ۵۴۱^۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نسبت به استیفای دیه از ماترک محکوم علیه متوفی، جنبه قضایی دارد. همچنین به موجب ماده ۵۰۵^۸ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواردی که اجرای رأی متوقف می‌گردد و مقام قضایی قرار موقوفی اجرا اصدار می‌نمایند، این تصمیم نیز دارای ماهیت قضایی می‌باشد و تبعاً قابل اعتراض خواهد بود.

ماده ۴۸۹^۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به صورت مبسوط وظایف قاضی اجرای احکام کیفری را تصریح نموده است که از جمله این وظایف نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان، صدور اجرای دستور احکام لازم الاجرا و رسیدگی و نظارت بر نحوه اجرای آن‌ها، اعلام نظر درخصوص زندانیانی که واجد شرایط عفو و آزادی مشروط هستند، تصمیم‌گیری درخصوص محکومین سالمند و... درخصوص تمامی موارد مندرج در ماده فوق‌الذکر تمامی تصمیمات به صورت اداری و شکلی می‌باشد.

۶- ماده ۵۳۵: هرگاه محکوم به پرداخت دیه فوت کند، قاضی اجرای احکام در صورت تقاضای محکوم له مطابق مقررات مربوط، دیه را از ماترک محکوم علیه استیفاء می‌کند.

۷- ماده ۵۴۱: هرگاه اجرای مجازات منوط به درخواست محکوم له باشد و در تقاضای اجرای آن، بدون داشتن عذر موجه، تأخیر کند، به دستور قاضی اجرای احکام کیفری به وی ابلاغ می‌شود تا ظرف سه ماه تصمیم خود را درباره اجرای حکم اعلام کند. در صورت سپری شدن این مدت و عدم وصول درخواست اجرای حکم بدون عذر موجه، قاضی اجرای احکام کیفری قرار تأمین صادره را لغو می‌کند. در این صورت، چنانچه محکوم علیه به‌علت دیگری در حبس نباشد، آزاد و پرونده به‌طور موقت بایگانی می‌شود.

۸- ماده ۵۰۵: در مواردی که مطابق مقررات، اجرای رأی موقوف می‌شود، قاضی اجرای احکام کیفری قرار موقوفی اجراء صادر می‌کند.

۹- ماده ۴۸۹: وظایف قاضی اجرای احکام کیفری عبارت است از: الف- صدور دستور اجرای احکام لازم‌الاجرای کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آن‌ها. ب- نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان. پ- اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط مطابق قوانین و مقررات. ت- اعطای مرخصی به محکومان براساس قوانین و مقررات. ث- اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی صعب‌العلاج و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آن‌ها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات. ج- اجرای سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات‌ها وضع شده یا بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است.

۳- وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام کیفری

قاضی اجرای احکام کیفری با هدف فردی ساختن مجازات‌ها وارد حقوق کیفری شده و در زمینه نهاد تعلیق، تعویق صدور حکم، آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی، مجازات‌های جایگزین حبس، دارای وظایف و اختیاراتی است (امیری و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۱). بنابراین جهت مدیریت بهتر مرحله اجرای آرای کیفری، قاضی اجرای احکام بایستی از یک سری اختیارات قانونی برخوردار باشد تا بتواند ضمن پیاده‌سازی آن‌ها در موارد مقتضی، بیشترین بازدهی را از مجرای این مرحله خطیر از فرایند کیفری، نصیب جامعه گرداند. بیشتر وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام در زمینه اعمال مجازات حبس می‌باشد. این وظایف و اختیارات در خصوص زندان و زندانیان به این شرح می‌باشد: نظارت بر زندان در امور راجع به زندانیان. اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط. اعطای مرخصی به محکومان بر اساس آیین‌نامه سازمان زندان‌ها.

وظایف قاضی اجرای احکام را طبق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان چنین طبقه‌بندی کرد که شامل تعویق اجرای حکم، نظارت بر زندان‌ها، اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، معافیت، توقف حکم و اجرای سایر احکام کیفری دانست. بر این اساس، اهم حقوق و اختیارات قاضی اجرای احکام را به مناسبت عملیات اجرایی آرای کیفری را در این مبحث مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱- وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام کیفری در بستر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

از جمله اختیارات مهمی که قاضی اجرای احکام حائز آن است، راجع به پیشنهاد افزایش، کاهش، لغو و یا تبدیل مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد. مجازات‌های جایگزین حبس در زمره ابداعات قانون‌گذار در تدوین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و در راستای زندان‌زدایی قلمداد می‌گردد. درحقیقت، اگر مجازات‌های جایگزین حبس با دقت و ظرافتی که لازمه آن است مورد اجرا قرار گیرد می‌تواند تأثیرات مفید و سودمندی را عاید جامعه، مجرمین و غیره نماید (قجاوند، ۱۳۸۹، ۳۱).

به موجب ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قاضی اجرای احکام کیفری با توجه به گزارش ماهانه نهاد پذیرنده و وضعیت شخصی، خانوادگی و اجتماعی محکوم و

آثار اجرای حکم و سایر جهات در چهارچوب ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سایر گزارش‌های واصله، حسب مورد تخفیف، تبدیل، توقف موقت، تشدید مجازات، خدمات عمومی رایگان را وفق مقررات قانونی به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد می‌کند. بنابراین قاضی اجرای احکام در اتخاذ تصمیمات مذکور آزاد می‌باشد ولیکن بایستی در چهارچوب ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ گام بردارد.

در راستای تبیین مهم‌ترین اختیارات قاضی اجرای احکام کیفری، درخواست اجرای صدور قرار تعلیق اجرای مجازات آن هم در حین عملیات اجرایی می‌تواند از اهمیت وافر در این باره برخوردار باشد.^{۱۰} علاوه بر امکان تقاضای قرار تعلیق اجرای مجازات از سوی قاضی اجرای احکام کیفری، این مقام قضایی اختیار ارائه درخواست به دادگاه صادرکننده حکم قطعی آن هم راجع به کاهش مدت تعلیق و یا لغو تمام یا برخی از دستورات تعیین شده در ما نحن فیه را نیز دارد.^{۱۱}

۳-۲- وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام کیفری در بستر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

دستور به آغاز عملیات اجرایی حکم و همچنین نظارت بر نحوه اجرا، می‌تواند در زمره مهم‌ترین وظایف قاضی اجرای احکام کیفری به حساب آید.^{۱۲} قانون‌گذار یکی از وظایف قاضی اجرای احکام را صدور

۱۰- ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.

۱۱- ماده ۵۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می‌کند. دادگاه در وقت فوق‌العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می‌گیرد.

۱۲- ماده ۴۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری شروع می‌شود و به هیچ وجه متوقف نمی‌شود، مگر در مواردی که قانون مقرر نماید.

دستور اجرای احکام لازم‌الاجرای کیفری و نظارت بر شیوه اجرایی آن‌ها نموده است.^{۱۳} با این حال ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که، هرگاه قاضی اجرای احکام رأی صادره را از منظر موازین قانونی لازم‌الاجراء نداند، موظف نیست به اجرای محکومیت دستور دهد، بلکه بایستی مراتب را با اطلاع دادستان، به دادگاه صادرکننده رأی قطعی اعلام و مطابق تصمیم دادگاه اقدام می‌نماید^{۱۴} (جوانمرد، ۱۳۹۳، ۲۸۷).

یکی دیگر از وظایف قاضی اجرای احکام مطابق با بند «ب» ماده ۴۸۹^{۱۵} قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان است. در زمره وظایفی که مسئولان و سیاستگذاران تقنینی برای قاضی اجرای احکام در سیستم قضایی تعیین نموده‌اند، عبارت است از اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط. مطابق با نص صریح قانون‌گذار، یکی از تکالیف قاضی اجرای احکام بررسی راجع به شرایط محکومان آن هم به لحاظ برخورداری از عفو و د نتیجه اعلام نظر می‌باشد.^{۱۶}

۱۳- بند الف ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: صدور دستور اجرای احکام لازم‌الاجرای کیفری و نظارت بر شیوه اجرایی آن‌ها.

۱۴- ماده ۴۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: هرگاه قاضی اجرای احکام کیفری، رأی صادره را از لحاظ قانونی لازم‌الاجراء نداند، مراتب را با اطلاع دادستان به دادگاه صادرکننده رأی قطعی اعلام و مطابق تصمیم دادگاه اقدام می‌کند.

۱۵- نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان.

۱۶- ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: در هر معاونت اجرای احکام کیفری، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی برای انجام وظایف زیر تشکیل می‌شود: الف- ایجاد بانک اطلاعاتی مجرمان خطرناک، متهمان تحت تعقیب و متواری و محکومان فراری. ب- تنظیم برگ سجل کیفری محکوم علیه در محکومیت‌های مؤثر کیفری با ثبت و درج مشخصات دقیق و اثر انگشت و تصویر وی به صورت الکترونیکی. پ- ثبت و ارسال درخواست عفو محکوم علیه و نیز پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان طبق مقررات.

ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: محکومان می‌توانند در صورت رعایت ضوابط و مقررات زندان و مشارکت در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و کسب امتیازات لازم پس از سپردن تأمین مناسب، ماهانه حداکثر سه روز از مرخصی برخوردار شوند. در موارد بیماری حاد یا فوت بستگان نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول یا همسر و یا ازدواج فرزندان، زندانی می‌تواند به تشخیص دادستان حداکثر تا پنج روز از مرخصی استفاده نماید. تعیین مقررات موضوع این ماده و امتیاز هر یک از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی، چگونگی انطباق

مطابق بند «ج» ماده ۱۷۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، یکی دیگر از تکالیف قاضی اجرای احکام، اجرای سایر وظایفی می‌باشد که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات‌ها وضع شده یا برعهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است. بنابراین نظارت بر امور زندان نسبت به محکومینی که در حال تحمل مجازات حبس می‌باشند و همچنین اجرای سایر مقررات راجع به زندانیان به عهده قاضی اجرای احکام کیفری می‌باشد (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳، ۳۷۹). از جمله وظایف مهم دیگری که قاضی اجرای احکام کیفری به موجب قانون به عهده دارد همانا رفع اشکالات راجع به اجرای آراء می‌باشد.^{۱۸} همچنین، رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام به عمل می‌آید.^{۱۹} تقاضای تبدیل مجازات یکی دیگر از اختیاراتی می‌باشد که قانون‌گذار برای قاضی اجرای احکام کیفری قید نموده است.^{۲۰}

در رابطه با سایر اختیارات مهمی که قاضی اجرای احکام مطابق با نظامات و مقررات حاکم بر حقوق کیفری حائز آن می‌باشد قابل ذکر است، مطابق با ماده ۵۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، محکوم علیه برای اجرای رأی احضار می‌شود و در صورت عدم حضور، به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود تا محکوم علیه را برای اجرای رای تسلیم کند. در این صورت، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند به طور

وضعیت زندانیان با شرایط تعیین شده و نحوه اعطای مرخصی به آنان به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه و به تصویب رییس قوه قضائیه می‌رسد.

۱۷- اجرای سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات‌ها وضع شده یا بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است.

۱۸- ماده ۴۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: رفع ابهام و اجمال از رأی یا دادگاه صادرکننده رأی قطعی است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجراء می‌شود.

۱۹- ماده ۱۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام به عمل می‌آید.

۲۰- ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

همزمان دستور جلب محکوم علیه را صادر کند. براساس ماده ۲۱۵۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صدور دستور منع خروج از کشور تحت شرایط مصرح در حیطه اختیارات قاضی اجرای احکام کیفری به حساب می‌آید. ماده ۲۲۵۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با بازگرداندن مال به شخص باشد. یکی دیگر از اختیارات سنجیده‌ای که قانون‌گذار برای قاضی اجرای احکام کیفری و در راستای تشویق محکومان به پرداخت جزای نقدی در موعد مقرر قانونی تمهید نموده است، موضوع تبصره سوم^{۲۳} ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است.

اختیار دیگری که نویسندگان قانون برای قاضی اجرای احکام کیفری آن هم در ارتباط با جرایم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی تبیین نموده‌اند به طور جامع در ماده ۲۴۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد اشعار قرار گرفته است. همچنین مطابق با بند «ث» ماده ۲۵۴۸۹ قانون فوق‌الذکر، اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و

۲۱- ماده ۵۰۹: هرگاه اقدامات قاضی اجرای احکام کیفری منتهی به دسترسی به محکوم علیه نشود و بیم فرار وی از کشور باشد، می‌تواند دستور منع خروج او را از کشور صادر و به مراجع قانونی اعلام کند؛ اما به محض حضور یا دستگیری محکوم علیه نسبت به لغو این دستور اقدام می‌کند.

۲۲- ماده ۵۳۶: چنانچه حکم صادره متضمن بازگرداندن مال به شخص باشد و وی پس از شش ماه از تاریخ اخطاریه قاضی اجرای احکام کیفری، بدون عذر موجه برای دریافت مال منقول مراجعه نکند، قاضی اجرای احکام کیفری در صورت احتمال عقلایی فساد مال، می‌تواند دستور فروش مال را صادر کند. در این صورت مال به فروش می‌رسد و پس از کسر هزینه‌های مربوط، در صندوق دادگستری تودیع می‌گردد.

۲۳- تبصره ۳: هرگاه محکوم علیه ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ احضاریه قاضی اجرای احکام کیفری برای پرداخت جزای نقدی حاضر شود، قاضی اجرای احکام می‌تواند او را از پرداخت بیست درصد جزای نقدی معاف کند. دفتر قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است در برگه احضاریه محکوم علیه معافیت موضوع این تبصره را قید کند.

۲۴- ماده ۵۵۳ در جرائم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آن که اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم علیه در خارج از محیط زندان، در فرایند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه دیده مؤثر است، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند.

۲۵- اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی صعب‌العلاج و سایر

بیماری‌های جسمی صعب‌العلاج و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آن‌ها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات از وظایف قاضی اجرای احکام کیفری است. از موارد دیگری که قاضی اجرای احکام کیفری بایستی راجع به وضعیت خاص محکومان اتخاذ تصمیم نماید، در ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد اشاره قرار گرفته است. یکی دیگر از تکالیف قاضی اجرای احکام کیفری به شرح مندرج در مواد ۲۶^{۲۶} و ۲۷^{۲۷} ۵۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد. بر طبق ماده‌های ۲۸^{۲۸} ۵۱۰ و ۲۹^{۲۹} ۵۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری،

افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آن‌ها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات.

۲۶- ماده ۵۰۷: چنانچه اجرای مجازات مستلزم دسترسی به محکوم علیه به دفعات باشد و محکوم علیه در پرونده فاقد قرار تأمین بوده و یا قرار صادره متناسب نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات، قرار تأمین متناسب صادر می‌کند.

۲۷- ماده ۵۰۸: قاضی اجرای احکام کیفری درباره درخواست محکوم علیه، کفیل یا وثیقه‌گذار مبنی بر تبدیل قرار تأمین، تغییر کفیل یا وثیقه‌گذار و یا جایگزینی وثیقه، تصمیم می‌گیرد.

۲۸- ماده ۵۱۰: هرگاه پس از صدور حکم معلوم شود محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری است و اعمال مقررات متعدد، در میزان مجازات قابل اجراء مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری به شرح زیر اقدام می‌کند: الف- اگر احکام به طور قطعی صادر یا به لحاظ عدم تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشند، در صورت تساوی دادگاه‌ها پرونده‌ها را به دادگاه صادرکننده آخرین حکم و در غیر این صورت به دادگاه دارای صلاحیت بالاتر ارسال می‌کند، تا پس از نقض تمام احکام، با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود. ب- اگر حداقل یکی از احکام در دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، پرونده‌ها را به این دادگاه ارسال می‌کند تا پس از نقض تمام احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود. چنانچه احکام از شعب مختلف دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، شعبه صادرکننده آخرین حکم تجدیدنظر خواسته صلاحیت رسیدگی دارد. پ- در سایر موارد و همچنین در صورتی که حداقل یکی از احکام در دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفته باشد یا احکام متعدد در حوزه‌های قضائی استان‌های مختلف یا در دادگاه‌های با صلاحیت ذاتی متفاوت صادر شده باشد، پرونده‌ها را به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند تا پس از نقض احکام حسب مورد، مطابق بندهای (الف) یا (ب) اقدام شود.

۲۹- ماده ۵۱۱: هرگاه هنگام اجرای حکم معلوم شود محکوم علیه محکومیت‌های قطعی دیگری داشته است که در اعمال مقررات تکرار جرم مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری، پرونده را نزد دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌کند. در این صورت، چنانچه دادگاه، محکومیت‌های سابق را محرز دانست، مطابق مقررات اقدام می‌نماید.

قاضی اجرای احکام کیفری از وظایف مهم دیگری نیز برخوردار می‌باشد.

۴- نقش قاضی اجرای احکام در فردی کردن مجازات‌های تعزیری

در مواردی که جرمی مهم ارتکاب یافته و پلیس، مقامات دادسرا، قضات و مراجع اجرای احکام کیفری در صدد بر می‌آیند تا با شناسایی شخصیت مجرم، ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی او، واکنش‌های اجتماعی بر علیه وی را تنظیم و متناسب نمایند (رستمی تبریزی، ۱۴۰۲، ۱۴۸). در این موارد به عوامل روانی مانند عوامل رافع مسئولیت کیفری، عوامل موجه‌کننده جرم، شرایط ارتکاب جرم، موقعیت و جایگاه اجتماعی مجرم و عموماً بررسی مواردی که قانوناً در جهت فردی کردن مجازات‌ها و تناسب بین جرم و مجازات تصریح شده پرداخته می‌شود. مجازات‌های تعزیری به صورت کلی چه در مرحله صدور حکم و چه در مرحله اجرا از اصل فردی کردن مجازات‌ها پیروی می‌کند. البته قاضی اجرای احکام کیفری، صلاحیت تغییر در کیفر و استفاده از نهادهای اصلاحی و ارفاقی همچون آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات را ندارد که مغایر با اصل استقلال قضایی و فردی کردن کیفرها است (مؤذن زادگان و جهانی، ۱۴۰۰، ۳۵).

قانون‌گذار در ماده ۱۸^{۳۰} قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صراحتاً تعزیر را از شمول عنوان حد، قصاص یا دیه خارج نموده و آن را به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال نموده است. در بندهای ماده ۱۸ قانون فوق‌الذکر مقنن به اصولی چون فردی کردن مجازات‌ها اعتقاد داشته و به همین خاطر کسب اطلاعات راجع به گذشته مجرمان و شرایط محل زندگانی آن‌ها را لازم دانسته است، این مسئله به حدی مورد اهمیت مقنن بوده که در قانون کاهش مجازات‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نیز، قاضی که مجازات را بیش از میزان حداقل تعیین نموده، مکلف به ذکر موارد چهارگانه در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یا سایر قوانین کرده و ضمانت

۳۰- ماده ۱۸: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم. ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن. پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم. ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.

اجرای محکومیت انتظامی درجه چهار^{۳۱} را برای آن قرار داده است.

مطابق با ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فلسفه تعلیق اجرای کیفر توجه به اصلاح مرتکب است، لذا، شخصیت مرتکب جرم در طول تحمل کیفر می‌تواند تأثیر به‌سزایی در قاضی اجرای حکم و قاضی صادرکننده رأی در جهت توسل به اصل فردی نمودن کیفر از طریق اقدام به تعلیق اجرای کیفر محکوم علیه داشته باشد. در ماده فوق‌الذکر به قاضی اجرای احکام این اختیار داده شده که پس از اجرای یک سوم مجازات از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. این حق برای دادستان هم در نظر گرفته شده است. از متن ماده فوق چنین استنباط می‌گردد که اگر دادگاه ضمن صدور حکم محکومیت، قصد تعلیق مجازات را داشته باشد رأساً بدون مداخله هیچ نهاد یا فرد دیگری مبادرت به صدور قرار تعلیق اجرای حکم می‌نماید، لکن اگر دادگاه بعد از اجرای بخشی از مجازات و بعد از صدور رأی بخواهد اجرای مجازات را تعلیق نماید، نیازمند به تقاضای دادستان یا قاضی اجرای احکام و یا تقاضای متهم از طریق این دو مقام می‌باشد و اقدام مستقیم و بدون واسطه دادگاه بعد از صدور رأی خلاف ظاهر قانون است. این الزام دادگاه نشانگر این است که با توجه به نظارت مستقیم قاضی اجرای احکام بر محکوم، تحولات شخصیتی و اصلاح مجرم را مشاهده نموده و ممکن است ادامه اجرای کیفر را به صلاح نبیند، لذا وی صلاحیت تصمیم‌گیری درخصوص پیشنهاد تعلیق اجرای مجازات را دارد. در این ماده قاضی اجرای احکام کیفری، هم عرض دادستان ذکر شده است.

به نظر می‌رسد قاضی اجرای احکام کیفری در این خصوص شأن استقلالی دارد و حتی در صورت مخالفت دادستان نیز می‌تواند از دادگاه تقاضای تعلیق اجرای مجازات نماید. لیکن از سوی دیگر، اعمال مقررات این ماده در ماده‌های ۵۵۱ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است، پس با توجه به ارکان مواد مرتبط با اجرای احکام در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، باید همچنان دادیار را تابع دادستان دانست و لذا وی نمی‌تواند از دستورات دادستان سرپیچی نماید. با این تحلیل، ذکر سمت قاضی اجرای احکام کیفری در کنار دادستان در این ماده به این دلیل است که تا وقتی که دادستان با قاضی اجرای احکام کیفری مخالفت نکرده، قاضی اجرای احکام کیفری رأساً می‌تواند از دادگاه تقاضای تعلیق اجرای مجازات نماید و این تقاضا منوط به اجازه دادستان نیست، اما

۳۱- ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰: مجازات‌های انتظامی قضات سیزده درجه به شرح زیر است: ۴- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال.

اگر دادستان در پرونده‌ای با تعلیق اجرای مجازات مخالفت کند، قاضی اجرای احکام کیفری حق تقاضای تعلیق از دادگاه را ندارد (مصدق، ۱۳۹۴، ۱۴۸).

نکته دیگر این که علاوه بر موارد مصرحه در ماده ۵۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر استمرار حسن اخلاق و رفتار، انجام دستورات مندرج در حکم دادگاه به نحو شایسته، خود از موجبات پیشنهاد برای کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورات تعیین شده به دادگاه می‌باشد. در اینجا «اصل فردی نمودن» هم در مرحله صدور حکم و هم اجرای آن مورد توجه قرار گرفته است. مطلب دیگر در این زمینه به کارگیری مددکار اجتماعی در خصوص رعایت حسن اخلاق و رفتار محکوم علیه است.

قانون‌گذار در جرایم تعزیری یک راه حل دیگری نیز پیش‌بینی نموده و آن را برعهده قاضی اجرای احکام کیفری نهاده است. چنانچه در جرایم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اجرای مجازات با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگری با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند. این قسمت از ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تجلی و انعکاس کامل اصل فردی کردن در مرحله اجرای مجازات است، زیرا در اینجا حکم قطعی لازم الاجرای در حال اجرا، متناسب با شرایط جسمی و روانی محکوم علیه، فردی‌سازی شده و مورد بازنگری قرار گرفته و پس از تعیین مجازات جدید، اجرا می‌گردد.

لازم به ذکر است پرونده شخصیت نیز یکی از مواردی است که می‌تواند به اجرای هر چه بهتر اصل فردی کردن جرایم کمک نماید. تشکیل پرونده شخصیت برعهده واحد مددکاری اجتماعی است.^{۳۲} چالشی که قاضی اجرای احکام کیفری در فردی کردن اجرای کیفر با استفاده از پرونده شخصیت با آن روبرو است این موضوع است که اولاً: وفق ماده ۳۳۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این

۳۲- ماده ۴۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: قوه قضائیه به منظور انجام وظایف مددکاران اجتماعی،

تشکیلات مناسبی تحت عنوان «مددکاری اجتماعی» را در حوزه قضائی هر شهرستان ایجاد می‌نماید.

۳۳- ماده ۲۰۳: در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد

مقوله صرفاً در مورد جرایم مهم تشکیل می‌گردد و لازم است که در مورد کلیه جرایم به‌ویژه جرایمی که دارای مجازات حبس است تشکیل گردد.

نتیجه

قاضی اجرای احکام کیفری نقش مؤثری در نیل دستگاه قضایی به اهداف مجازات دارد و با اجرای هدفمند و فوری احکام موجب پیشگیری ثانویه جرم خواهد بود. عدم توان اجرای حکم موجبات انباشت پرونده‌ها در دوائر اجرا و تکرار جرم را فراهم می‌آورد. پس در راستای زندان زدایی و کاهش آمار جمعیت کیفری، برای جلوگیری از تکرار جرم بهتر است اختیارات گسترده‌تری در این حوزه به قاضی اجرای احکام کیفری داده شود و ایشان با مدنظر قرار دادن عواملی همچون سرعت، شدت و قطعیت اجرای حکم بر بازدارندگی مجازات و پیشگیری از تکرار بزه تأثیرگذار است و می‌تواند مانعی بر جلوگیری از تکرار جرم باشد.

اصل تناسب مجازات با بزه‌کار که از آن به اصل فردی کردن مجازات‌ها یا تفرید جزایی عنوان می‌شود، گویای پیشرفت حقوق جزا در انتخاب مجازات متناسب است. تفرید مجازات‌ها ناشی از تحول حقوق کیفری در راه توجه به شخصیت بزه‌کار است؛ آنچه مسلم است این که فردی کردن کیفر، یعنی قاضی اختیار داشته باشد، براساس ویژگی‌های شخص مجرم مجازات را انتخاب کند طوری که با تخفیف، تشدید و یا تبدیل و جایگزین کردن مجازات، اجرای عدالت منصفانه‌تر شود که خود باعث بازدارندگی مجازات می‌شود. اگر مهم‌ترین هدف کیفر را اصلاح بزه‌کار بدانیم در امتداد آن تلاش خواهد شد با افزایش اختیار قاضی اجرای احکام کیفری در کاستن مجازات‌ها به سود اجتماع و مجرم قدم برداشت. پیش‌بینی مجازات‌های دیگر و تفویض اختیار به قاضی برای انتخاب مجازات متناسب، از مهم‌ترین ابزار و موارد تحقق سیاست تفرید قضایی مجازات است. در پرتو این اختیار، انتخاب حداقل کیفر یا گزینش مجازات مطلوب از میان کیفرهای متعدد، وقفه در صدور حکم، تبدیل مجازات، تعلیق اجرای مجازات و

مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد، حاوی مطالب زیر است: الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم. ب- گزارش پزشکی و روان‌پزشکی.

نیز اختیار کاهش میزان مجازات به کمتر از حداقل مقرر در قانون، امکان پذیر خواهد شد. قانون گذار باید تلاش نماید که مرحله اجرای احکام همانند مراحل تحقیقات و رسیدگی دادگاه که هر کدام قاضی مستقل خود را دارند و تصمیم گیری های آن ها از اعتبار ویژه خود برخوردار است، به عنوان یکی از مراحل دادرسی به رسمیت شناخته و قاضی اجرای احکام کیفری را همانند قاضی رسیدگی کننده به دعوا در تصمیمات راجع به احکام مستقل کند. بنابراین می توان گفت یکی از مشکلات و معضلات مرحله اجرای احکام که مانعی است بر سر راه اجرای درست به موقع و اثرگذار مجازات محدودیت و وابستگی تصمیمات قاضی اجرای احکام کیفری به سایر مراجعی است که آشنایی کافی نسبت به این مرحله در مقایسه با قاضی اجرای احکام کیفری ندارند. محدودیت هایی که اگر کمتر شوند، مطمئناً بر وضعیت زندان ها، تکرار جرم و سایر معضلات اجتماعی حاصل از جرم تأثیرات مثبت خواهد گذاشت. لذا پیشنهاد می شود برای اجرای مناسب تر مجازات به گونه ای که آثار دلخواه جامعه را به دنبال داشته باشد، به قاضی اجرای احکام کیفری اختیاراتی بسیار بیشتر از شرایط کنونی اعطاء شود تا هم دادگستری ها و هم زندان های کشور با شرایط بهتری روبه رو شوند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- امیری، مهدی؛ رضانی، احمد؛ گلدوزیان، ایرج؛ صلاحی، سهراب، ۱۳۹۷، مطالعه تطبیقی جایگاه نهاد اجرای احکام کیفری ایران، فرانسه و انگلستان، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، شماره ۲.
- امیری، مهدی؛ رضانی، احمد؛ گلدوزیان، ایرج؛ صلاحی، سهراب، ۱۳۹۸، جایگاه ایفای نقش مقام اجرای مجازات ها در نهادهای مبتنی بر خروج موقت و مشروط زندانیان با مطالعه حقوق کیفری ایران، فرانسه و انگلستان، **فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، شماره ۳۹.

- جوانمرد، بهروز، ۱۳۹۳، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- رستمی تبریزی، لمیاء، ۱۴۰۲، **روان‌شناسی جنایی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- طهماسبی، جواد، ۱۳۹۸، **آیین دادرسی کیفری اجرای احکام کیفری**، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- قجاوند، کاظم، ۱۳۸۹، مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس، **مجله اصلاح و تربیت**، شماره ۱۰۲.
- گلدوست جویباری، رجب، ۱۳۹۳، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل.
- مدنی کرمانی، عارفه، ۱۳۹۰، **اجرای احکام کیفری**، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- مؤذن زادگان، حسنعلی و جهانی، بهزاد، ۱۴۰۰، ساختار اجرای احکام کیفری ایران در پرتو اصل استقلال قضایی، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، شماره ۱۸.
- مصدق، محمد، ۱۳۹۴، **شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی**، چاپ هشتم، تهران، انتشارات جنگل.

Legal Civilization

No.17- Winter 2024

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

An Investigation of the Necessity to Disclose the Existence of Contract in Third Party Funding in International Arbitration and Privilege

Mohammad Mahdi Asadi

Aggravated Qualities of Crime in Iranian Criminal Law

Mohammad Kamali, Mohammadbagher Basir

The Foundations of Natural Rights in John Locke and Its Impact on the Convention on the Rights of the Child

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

Decriminalization; an Attitude to Prevent the Persistence of Juvenile Delinquency

Mohammad Javanbakht, Parisa Karimeh, Mohaddeseh Sadeghian Lamraski

Examining the Concept of the Holder of a Commercial Document

Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi

The Effect of Islamic Lifestyle in the Prevention of White-Collar Crimes: Legal and Jurisprudential Analysis

Maryam Kamaei, Zahra Ansarifard, Petter Gottschalk

Methods of Resolving Disputes in FIDIC Contracts

Arman Yaghobi Moghadam, Mohammad Gholampour Vishkaei, Mohammad Yararshadi

Examining the Analyzing the Evolution of the Criminal Phenomenon of Genocide in the Historical Context

Mohammad Javanbakht, Minoo Mohammadei, Kiomars Kalantari daroonkela

The Role of the Judge in the Execution of Criminal Sentences in Deterrence and Individualization of Punishment

Zahra Nazari

Criticism and Assessment of Managers' Responsibility for the Company's Tax Liabilities Based on the Legal Bill to Amend a Part of the Commercial Law and the Direct Taxes Law

Nima Rezaei, Mohammad Shojaei Far, Amirhasan Abolhasani

Tax Crimes with an Approach to Penology in Iranian Law

Sayyede Faezeh Fatemi

Competent Authority and Demand Title in Land Nationalization Lawsuits

Moslem Alahyari

Executive Challenges of Children and Adolescent Rights Protection Offices Centered on the Role of Judge

Sayyed Mehdi Ahmadi, Nastaran Arzainan

Environmental Responsibility of Multinational Companies in the Oil Industry with Emphasis on the "Polluter Pays" Principle

Hadi Masoudifar, Fatemeh Naeimi Shamel

The Impact of Restorative Justice and Criminal Policy on Sexual Victimization of Children (from Protection to Rehabilitation)

Sayyed Hosein Dehghan Nayeri, Maryam Mosaferi

The Right to Self-Determination as one of the Basic Human Rights Regarding Transgender People (with Emphasis on the Decree Issued by the 13th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saïd Hosseini, Heshmat Rostami Daroonkela, Mohammad Mehdi Saki, Fatemeh Dehghan, Abbas Rezaei Gilani4

Protection of the Cultural Rights of Prisoners in International, Regional Instruments and Iranian Legal System

Marjan Negahi Mokhlesabadi

Analysis of the Tax Law System Governing Commercial Companies

Parisa Rezvan, Ali Zare

Human Dignity in Criminal Law and International Documents

Mohammad Amin Ebrahimi

The Role of Government-Owned Property in Promoting Economic Goals: Analysis of Laws and Examination of Obstacles and Solutions

Elham Derki, Ayda Mokhtareh, Behnam Rastegari

Subjectivity and Proof of Crime in the Islamic Penal Code Approved in 2012

Sadegh Banitarafian Havizavi

The Differential Criminal Policy of the Armed Forces Law against the Sale of Military Property and Objects

Yasser Shakeri